موضوع: بررسی مبانی معرفت شناسی در اجتهاد علم کلام

چیستی معرفت شناسی

سخن درباره معرفت شناسی است و در اینجا به دنبال پاسخ به این پرسش ها هستیم: معرفت چیست؟ نحوه پیدایش آن کدام است؟ ارزش و اعتبار معرفت چگونه است؟ معیار و ملاک معرفت کدام است؟

درباره چیستی معرفت سخنان برخی از متفکران غربی بیان شد. اکنون به بیان سخن برخی اندیشمندان اسلامی می پردازیم. اولین کسی که مباحث معرفت شناسی را به صورت مستقل مورد بررسی قرار داده است، مرحوم علامه طباطبایی است. ایشان در کتاب «اصول فلسفه رئالیسم» قبل از آن که به مسائل مربوط به هستی‌شناسی بپردازد، مسائل معرفت‌شناسی را مطرح کرده است. وی پس از آن که در مقاله اول، فلسفه را تعریف نموده است، در شش مقاله، مسائل مربوط به علم و معرفت را بررسی نموده که جز یک مقاله (مقاله سوم: علم و ادراک که درباره هستی شناسی علم است) به مباحث معرفت‌شناسی اختصاص دارد. عناوین این معلومات (مقاله چهارم)، پیدایش کثرت در ادراكات (مقاله پنجم)، ادراكات مقالات عبارتند از: رئالیسم و ایده آلیسم (مقاله دوم)، ارزش اعتباری (مقاله ششم).

شهید صدر نیز بخش اول کتاب «فلسفتنا» را به مسائل مربوط به شناخت‌شناسی اختصاص داده و دو مسأله مهم از مسائل آن یعنی سرچشمه‌های معرفت و ارزش شناخت را بررسی کرده است. (بخش معرفت شناسی کتاب «فلسفتنا» به صورت جدا چاپ شده است ).

آیت الله مصباح یزدی نیز بخش دوم کتاب «آموزش فلسفه» را به مسائل معرفت‌شناسی اختصاص داده است. امکان شناخت، اقسام شناخت (علم حصولی و حضوری)، اقسام مفاهیم کلی، نقش حس و عقل در تصورات و تصدیقات ابزار شناخت و ارزش شناخت، محورهای مباحث معرفت‌شناسی کتاب مزبور می‌باشد وی شناخت‌شناسی را علمی دانسته است که در باره شناخت‌های انسان و ارزشیابی انواع، و تعیین ملاک صحت و خطای آنها بحث می‌کند .[[1]](#footnote-1)

شهید مطهری، در آثار مختلف خود به مسائل معرفت‌شناسی پرداخته و یکی از آثار وی به نام «مسأله شناخت» به این موضوع اختصاص یافته است. ایشان در این کتاب درباره امکان شناخت، ابزارهای شناخت، منابع شناخت، مراحل و درجات شناخت، ملاک و معیار شناخت، بحث کرده و دیدگاه‌های فلاسفه اسلامی و غربی را در این باره نقل و بررسی نموده است.

استاد شهید، در مقدمه مقاله چهارم اصول فلسفه، سه مساله ارزش معلومات، راه حصول علم و تعیین حدود علم را مهم ترین مباحث معرفت‌شناسی دانسته است. در مقدمه مقاله پنجم نیز این سه مسأله را محور مسائل فلسفی اروپا شمرده است.

آیت الله جوادی آملی نیز در کتاب «معرفت‌شناسی در قرآن»، به تفصیل درباره مسائل مربوط به شناخت شناسی، بحث کرده است.

چگونگی پیدایش مفاهیم ذهنی به ویژه مفاهیم کلی (معقولات اولی و ثانیه)، چگونگی ادراک پذیری هستی‌های مختلف، چیستی و اركان معرفت، منکران معرفت (سوفسطائیان، شکاکان و مادی مسلکان)، راه‌ها و قلمرو معرفت، معیار معرفت، معرفت مفهومی و معرفت شهودی، محورها و عناوین مباحث کتاب مزبور می‌باشد.

دو بحث ریشه ای هرمنوتیک و معرفت شناسی

دو بحث است که از مباحث ریشه ای می باشد و دیدگاهی که فرد در آنها انتخاب کند، تاثیر زیادی در مباحث معرفتی او دارد. یکی مباحث هرمنوتیک یا همان قواعد فهم و دیگری مباحث معرفت شناسی است.

هرمنوتیک هایدگر و گادامر .... شبستری و سروش به این هرمنوتیک معتقد هستند و پلورالیسم معرفتی بوجود می آید. هایدگ در بحث هرمنوتیک چرخش ایجاد کرد و گفت به جای تمرکز روی فهم مولف باید به سراغ فهم مفسر رفت. فهم بدون پیش فرض نداریم . ....

جایگاه و اهمیت معرفت شناسی

همان طور که علم منطق ما را با قواعد تفکر آشنا کرده و مقدمه ای برای علم هستی شناسی است، معرفت شناسی نیز مقدمه آن علم است و بعد از فراگیری آن می توان وارد مباحث هستی شناسی شد.

معرفت‌شناسی، از مبادی علوم مختلف بشری به ویژه هستی‌شناسی، طبیعت‌شناسی و الهیات (علم کلام) می‌باشد، زیرا امکان و ارزش شناخت درباره موضوعات یاد شده در گرو آن است که ابزار و راه‌های شناخت، و میزان واقع نمایی شناخت انسان، و ملاک و معیار تشخیص حقیقت و خطا در معرفت، معلوم و مشخص شده باشد. اگر کسی به خطای ابزارها و راه‌های معرفت به صورت مطلق قائل باشد، راه سفسطه و شکاکیت را بر خواهد گزید، و اگر ابزار و راه شناخت را منحصر در حواس و تحلیل‌های مبتنی بر داده‌های حسی و منحصر در آنها بداند، شناخت متافیزیک را ممکن نخواهد دانست.

در سخنانی که از برخی فلاسفه غربی در بحث پیشین نقل کردیم، اهمیت و ضرورت مباحث معرفت‌شناسی بیان شده است. پل فولکیه، در این باره گفته است: «دادگاهی که می‌خواهد درباره مسأله‌ای حقوقی یا جزایی داوری کند، نخست باید صلاحیتش برای این کار احراز شود. در باب شناخت هستی از طریق عقل نیز باید صلاحیت عقل برای شناخت حقایق و نیز ملاک حقیقت ثابت شود. این مهم بر عهده معرفت‌شناسی است».[[2]](#footnote-2)

شهید صدر درباره اهمیت و ضرورت معرفت‌شناسی گفته است: «اولین نقطه شروع یک فلسفه در توضیح و تفسیر جهان، مسأله شناخت است، زیرا تنها برخورد انسان با جهان، به وسیله ادراکات اوست. پس اگر ریشه‌های اندیشه و شناخت بشری روشن نشود و مقیاس و ارزش آن مورد دقت قرار نگیرد، هیچ مبحث فلسفی، قابل بحث و بررسی نیست».[[3]](#footnote-3)

شهید مطهری، اهمیت و ضرورت شناخت‌شناسی را در این دانسته است که منشأ تفاوت جهان بینی‌ها می‌باشد، چنان که جهان بینی‌های مختلف، منشأ اختلاف ایدئولوژی هاست. و از طرفی، انسان از داشتن ایدئولوژی و جهان بینی ناگزیر است: «دنیا، دنیای مکتب و ایدئولوژی است. مکتب و ایدئولوژ بر پایه جهان بینی است و جهان بینی بر پایه شماخت است. از این جا انسان به اهمیت مسأله شناخت پی می‌برد. آن که ایدئولوژی اش مثلا بر اساس جهان بینی مادی است، جهان بینی مادی اش بر اساس نظریه خاصی در باب شناخت است. آن دیگری، ایدئولوژی دیگری دارد بر اساس جهان بینی دیگری و آن جهان بینی بر اساس نظریه‌ای است که در باب شناخت دارد. این است که ما قبل از بحث درباره ایدئولوژیها و جهان بینی‌ها باید تکلیف مسأله شناخت را روشن کنیم».[[4]](#footnote-4)

ایشان در پاورقی‌های اصول فلسفه و روش رئالیسم، به صورت مکرر بر اهمیت ذهن شناسی که بیان دیگری از معرفت‌شناسی است، تأکید کرده و یادآور شده است که ذهن شناسی پایه و شالوده فلسفه است: «از نظر فلسفی ما، شناخت وجود و واقعیت وقتی میسر است که انبوه اندیشه‌هایی را که محصول فعالیت‌های مختلف ذهن است، به دست آوریم و آنچه را که نماینده واقعیت خارج است از آنچه محصول و معلول فعالیت ذهن است، تشخیص دهیم، و به عبارت دیگر، به بررسی ادراکات پرداخته، آنچه را حقیقت است از آنچه حقیقت نماست، تمیز دهیم. این مطلب از مطالعه همین مقاله مقاله هفتم اصول فلسفه و مقاله‌های بعدی روشن تر خواهد شد و خواننده محترم از حالا باید ذهن خویش را برای قبول یک حقیقت که مکرر به آن اشاره خواهیم کرد، آماده کند و آن این که تا ذهن را نشناسیم نمی توانیم فلسفه داشته باشیم».[[5]](#footnote-5)

يک سالي در دانشگاه اين مباحث را به گونه اي که براي آنان قابل فهم باشد بيان کردم. بعد از صحبت ها جوانان جمع شده و از اينکه عالمان اسلامي توانسته اند اين مساله را حل کنند احساس غرور مي کردند. شهيد مطهري مي فرمايد مسائلي که قهرمانان غرب نتوانستند حل کنند حکماي اسلامي حل نمودند. ايشان مساله معقولات ثانيه از معجزات فکر بشر مي داند.

﴿.....﴾ اللهم صل علی محمد و آل محمد

1. . آموزش فلسفه، آیت الله مصباح، ج۱، ص۱۵۳، درس ۱۱. [↑](#footnote-ref-1)
2. . فلسفه عمومی، پل فولکیه، ص۴۲. [↑](#footnote-ref-2)
3. . تئوری شناخت در فلسفه ما، شهید صدر، ص۲۹. [↑](#footnote-ref-3)
4. . مسأله شناخت، شهید مطهری، ص۱۶. [↑](#footnote-ref-4)
5. . اصول فلسفه و روش رئالیسم، شهید مطهری، ج۳، ص۲۵. [↑](#footnote-ref-5)